مجله یافته های علوم تربیتی و آموزشی

بررسی تحلیلی و جامع کثرت و کارکردهای تکرار در خمسه‌ی نظامی گنجوی؛ از برجسته‌سازی زبانی تا انسجام دراماتیک

حسین مقدسی

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

MDOI-02-2026.0405
MNR-419-2-B9CEAD

چکیده

پدیده‌ی «تکرار» یکی از کلیدی‌ترین و بسامددارترین شگردهای زبانی، بلاغی و ساختاری در خمسه‌ی حکیم جمال‌الدین ابومحمد الیاس بن یوسف نظامی گنجوی است. اگرچه در پاره‌ای از نظریات سنتیِ بلاغت، تکرار مفرط ممکن است شائبه‌ی حشو، اطناب مملّ یا ناتوانی در واژه‌یابی ایجاد کند، اما در ساحت زبان‌شناسی ساختارگرا، بوطیقای فرمالیستی و سبک‌شناسی آماری، تکرار عنصری تعیین‌کننده در «قاعده‌افزایی»، «ایجاد انسجام متنی» و «تمایز سبکی» است. این پژوهش با روش توصیفی–تحلیلی و بر پایه‌ی رویکرد سبک‌شناسی لایه‌ای (آوایی، واژگانی، نحوی، معنایی و بلاغی)، به تبیین چندوچون و چرایی کثرت تکرار در پنج مثنوی نظامی (*مخزن‌الاسرار*، *خسرو و شیرین*، *لیلی و مجنون*، *هفت‌پیکر* و *اسکندرنامه شامل شرف‌نامه و اقبال‌نامه*) می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کثرت تکرار در منظومه‌ی زبانی نظامی، حاصل یک طرح‌ریزی هوشمندانه و استراتژی زیباشناختی است که کارکردهایی چندگانه دارد: ایجاد توازن و غنای موسیقی درونی و کناری؛ برجسته‌سازی عواطف و برون‌ریزی التهابات روانی شخصیت‌ها در بافت دراماتیک؛ قرینه‌سازی نحوی و ایجاد تقارن‌های معمارانه در کلام؛ هدایت شبکه تداعی معانی در ساحت تمثیل و حکمت؛ استحکام زنجیره‌های انسجام واژگانی در روایت‌های بلند داستانی. از این‌رو، تکرار در شعر نظامی نه یک آرایه‌ی تفننی یا عارضه زبانی، بلکه جوهره‌ی «طرز بیان» و شناسنامه‌ی سبک شخصی اوست.

کلیدواژه‌ها: نظامی گنجوی، خمسه (پنج گنج)، تکرار و تکریر، سبک‌شناسی لایه‌ای، موسیقی شعر، توازن نحوی، انسجام ساختاری، روان‌شناسی روایت.

مقدمه

قرن ششم هجری در تاریخ ادبیات فارسی، عصر دگرگونی‌های بنیادین در زبان، فرم و اندیشه‌ی شعری است؛ عصری که در آن شعر فارسی از سادگی و آفاقی‌نگریِ سبک خراسانی به‌سوی پیوستگی‌های معنایی، تصویرپردازی‌های پیچیده، درون‌گرایی و فخامتِ سبک عراقی گذر می‌کند. در کانون این دگرگونی بزرگ، حکیم نظامی گنجوی (۵۳۵–۶۰۲ هـ‌ق) به عنوان معمار بی‌بدیل شعر غنایی، تمثیلی و داستانی قد علم می‌کند. نظامی منظومه‌سرایی را از سطح نقالی و گزارش تاریخی صرف فراتر برد و آن را به هنر معماری کلمات، روان‌شناسی کاراکترها و بافتار متراکم صور خیال مبدل ساخت.

در میان ویژگی‌های سبکی نظامی، آنچه توجه ناقدان، سبک‌شناسان و شارحان را به خود جلب کرده، تشخص ساختار زبانی و بلاغی اوست. شعر نظامی شعری به‌غایت مهندسی‌شده، متقارن و در عین حال لبریز از پویایی است. یکی از مهم‌ترین ابزارهای نظامی برای دستیابی به این ساختار پولادین و آهنگین، بهره‌گیری چشمگیر، گسترده و شگفت‌انگیز از شگرد «تکرار» در لایه‌های گوناگون کلام است. نظامی به‌طرزی بی‌پروا و با اعتمادبه‌نفس شگرف زبانی، یک واژه، یک عبارت، یک ساخت نحوی یا یک موتیف صوتی را در بیتی واحد یا در توالی ابیات بارها تکرار می‌کند، بی‌آنکه کلامش به ابتذال بیفتد یا ملال خاطر خواننده را فراهم آورد.

اهمیت پژوهش حاضر در آن است که با عبور از نگرش‌های تقلیل‌گرایانه‌ی بلاغت سنتی که تکرار را صرفاً در حد چند صنعت لفظی (نظیر تکریر، تردید یا ردّالصدر الی‌العجز) محدود می‌دیدند، این پدیده را با تکیه بر دستاوردهای سبک‌شناسی نوین، زبان‌شناسی متن و نظریه‌های فرمالیستی واکاوی کند. فهم زبان نظامی بدون درک سازوکار تکرار ناممکن است؛ چرا که تکرار، شاه‌کلید گشودن دروازه‌های موسیقی درونی و زنجیره‌های معنایی در پنج‌گنج به شمار می‌رود.

چارچوب نظری و مبانی زبان‌شناختی تکرار

۲.۱. دیدگاه فرمالیسم و نظریه برجسته‌سازی (جفری لیچ)

در نظریه سبک‌شناسی جفری لیچ، برجسته‌سازی سازوکاری است که زبان شعر را از زبان معیار و زبان خودکار متمایز می‌سازد. لیچ برجسته‌سازی را حاصل دو فرآیند می‌داند:

هنجارگریزی: شکستن قواعد متعارف زبانی (معنایی، نحوی، زمانی و...).

قاعده‌افزایی: افزودن قواعد و توازن‌های مضاعف بر زبان که ساختار متن را منسجم‌تر، متقارن‌تر و موسیقایی‌تر می‌کند.

صناعت تکرار دقیقاً مصداق بارز **قاعده‌افزایی** است. شاعر با تکرار سامان‌مندِ واج‌ها، تکواژها، واژه‌ها و الگوهای همنشینی، نظمی هندسی بر کلام حاکم می‌کند که به درک زیباشناختی متن غنا می‌بخشد.

۲.۲. نظریه انسجام متنی (هالیدی و حسن)

مایکل هالیدی و رقیه حسن در اثر کلاسیک خود *انسجام در زبان انگلیسی*، تکرار واژگانی را از ارکان اصلی ایجاد بافتار متنی می‌دانند. تکرار واژگانی شامل:

تکرار عین واژه؛

به‌کارگیری مترادف‌ها و شبه‌مترادف‌ها؛

واژگان متضاد؛

شمول معنایی؛

هم‌آیی‌ها.

در متون روایی طولانی نظیر منظومه‌های خمسه که هزاران بیت دارند، تکرار واژگانی به مثابه‌ی رشته‌های نامرئی عمل می‌کند که پاره‌های مختلف داستان و گفت‌وگوها را در یک کلّ منسجم و یکپارچه به هم پیوند می‌زند.

۲.۳. تمایز بلاغت سنتی میان حشو قبیح و اطناب ممدوح

در بلاغت اسلامی–ایرانی، تکرار بی‌فایده و تهی از ظرافت معنایی «حشو قبیح» یا «تطویل بی‌حاصل» نامیده می‌شود. اما علمای بلاغت نظیر سکاکی، خطیب قزوینی و تفتازانی، آنگاه که تکرار برای اهدافی چون «تقریر و تثبیت معنا در ذهن»، «استعطاف و زاری»، «تعظیم و تکریم»، «هشدار و انذار» یا «تلذّذ از ذکر نام محبوب» باشد، آن را اوج شیوایی و از مصادیق «اطناب ممدوح» دانسته‌اند.

پیشینه‌ی پژوهش

بررسی موشکافانه در متون پژوهشی دانشگاهی نشان می‌دهد که شگردهای زبانی و صناعات بیانی نظامی از دیرباز مورد توجه بوده است:

دهمرده (۱۳۹۲) در مقاله‌ی «زبانه‌ای از زبان نظامی»، تکرار را شاخصه‌ی بارز زبانی و تجلی اقتدار لغوی شاعر دانسته و معتقد است غنای لغات در ذهن نظامی منجر به ریزش آبشارگونه‌ی واژگان مکرر می‌گردد.

مشهدی و طاهری (۱۳۹۲) در پژوهش «تکرار و تداعی، ویژگی سبکی نظامی در منظومه خسرو و شیرین»، نشان دادند که تکرار در بافت عاشقانه، ابزاری روان‌شناختی برای نمایش سیلان ذهن و تداعی‌های پیاپی احساسات کاراکترهاست.

تمیم‌داری و پولادی (۱۳۹۰) در مقاله‌ی «اطناب، شاخصه سبکی نظامی در مخزن‌الاسرار»، تکرارهای مفهومی و واژگانی در نخستین منظومه نظامی را گونه‌ای اطناب هنری با غرض تبیین اندیشه‌های صوفیانه و اخلاقی ارزیابی کرده‌اند.

کریمی و الهامی (۱۴۰۰) با بررسی رویکردهای سنتی سبک‌شناسی در خمسه، نشان دادند که تناسبات واژگانی و تکرار ساختارها، بستر اصلی فصاحت کلام نظامی است.

آراسته، گلی و علیزاده (۱۴۰۳) در مقاله‌ی «بررسی توازن نحوی در شعر نظامی بر مبنای قرینه‌سازی»، تکرار الگوهای دستوری را عامل اصلی ایجاد تقارن در ساختار جملات نظامی معرفی نموده‌اند.

با وجود این مطالعات ارزشمند، جایگاه یک پژوهش کل‌نگر که پدیده‌ی تکرار را در تمام ابعاد چهارگانه‌ی زبانی (آوایی، لغوی، نحوی، معنایی) و در پیوند با کلیت پنج‌گنج نظامی تحلیل کند، همچنان خالی بوده است. پژوهش حاضر به دنبال پر کردن این خلاء مطالعاتی است.

روش‌شناسی پژوهش

این مقاله با رویکرد کیفی–تحلیلی و بر مبنای مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای انجام گرفته است. جامعه‌ی آماری و متنی پژوهش، متن کامل *پنج گنج (خمسه‌ی نظامی)* تصحیح وحید دستگردی و بر اساس ویرایش‌های معتبر علمی (نظیر تصحیح بهروز ثروتیان و برات زنجانی) است.

فرآیند تحلیل شامل مراحل زیر بوده است:

استخراج و رده‌بندی انواع تکرار در مثنوی‌های پنج‌گانه؛

دسته‌بندی شواهد در چهار سطح ساختاری: سطح آوایی، سطح واژگانی، سطح نحوی و سطح معنایی/روایی؛

واکاوی کارکردهای زیباشناختی، دراماتیک و موسیقیایی هر یک از این سطوح؛

تحلیل داده‌ها در پیوند با سبک شخصی شاعر و زمینه‌های فکری و بلاغی عصر سلجوقی.

تحلیل تفصیلی سطوح تکرار در خمسه‌ی نظامی

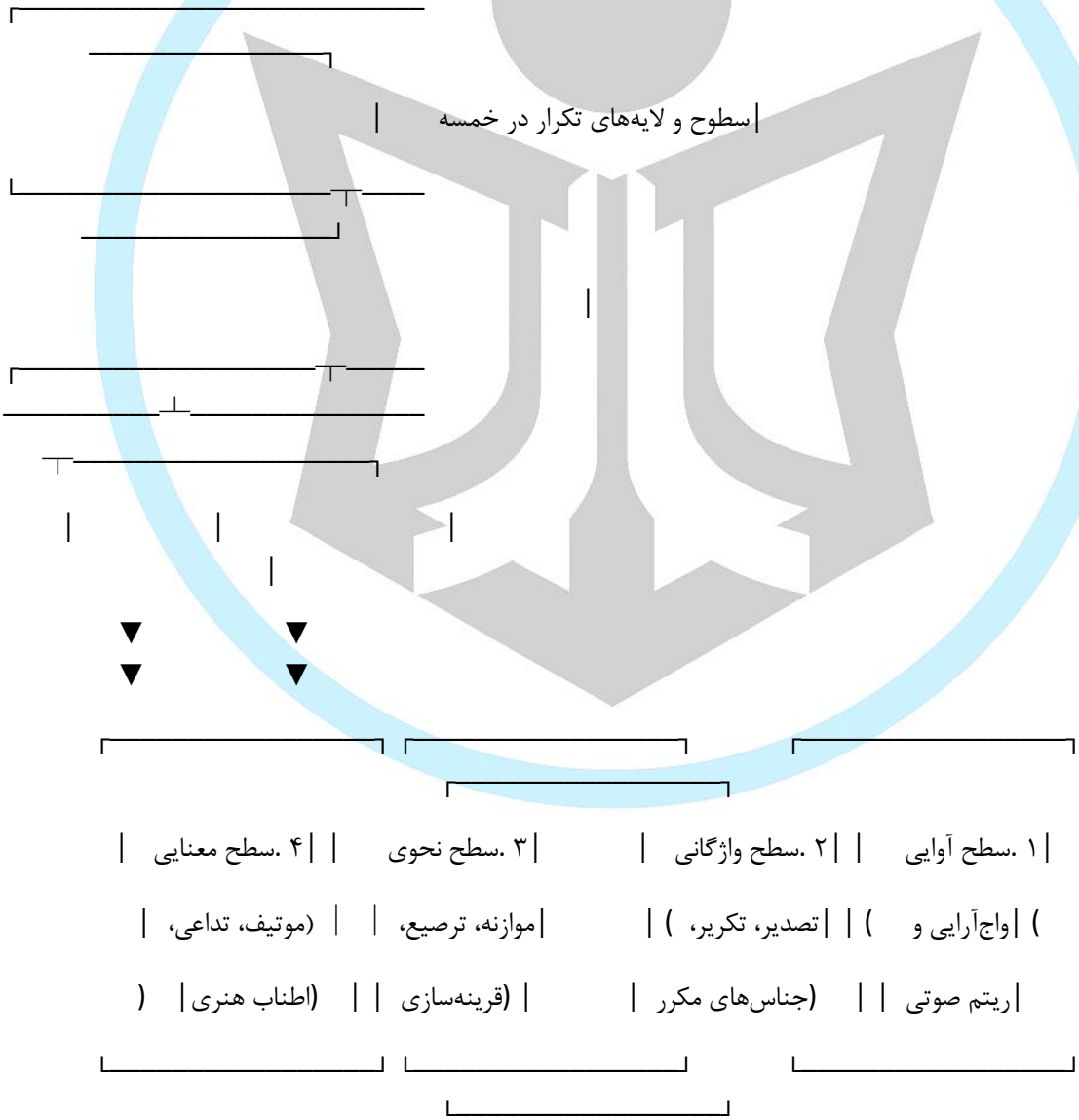

۵.۱. سطح آوایی و فونولوژیک (موسیقی درونی و تکرار واج‌ها)

یکی از وجوه اعجاز نظامی، توانایی او در تبدیل کلمات به نت‌های موسیقی است. در شعر او، اصوات صامت و مصوت صرفاً حامل معنا نیستند، بلکه پیش از رسیدن به ساحت ذهن، گوش را می‌نوازند و فضای عاطفی صحنه را القا می‌کنند. تکرار واج‌ها در خمسه نقشی فضاساز دارد:

الف) واج‌آرایی صامت‌های سوت‌زن و سایشی برای فضاسازی سکوت، راز یا سوز:

نظامی در لحظات خلوت عاشقانه، توصیف شب یا نجواهای سوزناک، بسامد صامت‌های «ش»، «س» و «ز» را به‌طرز چشمگیری افزایش می‌دهد:

«شبگیر که چرخ، چرخ می‌زد / شب، بر سر مه، کلاه می‌زد»

«شب‌خیز شد آن شکرلبِ شور / شمشاد نهاد پای در گور»

تکرار مداوم صامت «ش» در ابیات فوق، نوعی همهمه‌ی شبانه، سکوت رازآلود و لطافت حرکات را بازتولید می‌کند.

ب) واج‌آرایی صامت‌های انفجاری و انسدادی در صحنه‌های حماسی و نزاع:

در *شرف‌نامه* و بخش‌های رزمی *خسرو و شیرین* (نبرد خسرو با بهرام چوبین)، نظامی با تکرار واج‌های «ک»، «گ»، «ت»، «د» و «ق»، ضرباهنگ چکاچاک تیغ‌ها، سم‌کوبی اسبان و طبل‌های جنگی را بازمی‌آفریند:

«کوکبه‌ی کوس برآمد به ماه / گرد هوا گشت سپهر سیاه»

«تیر تگرگ‌صفت آمد به کار / تاختن آورد سپه بر سوار»

تکرار صامت‌های انسدادی در این بافت، تنش عضلانی، اضطراب و ضربه‌های سهمگین میدان نبرد را در روح کلام طنین‌انداز می‌سازد.

۵.۲. سطح واژگانی (موسیقی کناری، تکریر و بازی‌های زبانی)

تکرار در سطح واژه، آشکارترین و بسامددارترین گونه‌ی تکرار در خمسه است. نظامی از چند شگرد لغوی برای بهره‌برداری از این عنصر استفاده می‌کند:

تکریر پیاپی واژه در یک بیت (ایجاد شتاب و تأکید مضاعف)

نظامی گاه یک کلمه را دو، سه یا حتی چهار بار در یک بیت تکرار می‌کند تا شدت، سرعت یا فراگیری یک مفهوم را به تصویر بکشد:

«سنگ به سنگ آمد و گل گل بر او / دست به دست آمد و دل دل بر او»

«جان جان است و جانِ جان‌بخش اوست / کانِ کان است و کانِ کان‌بخش اوست»

در این ابیات، تکرار متوالی واژگان «سنگ»، «گل»، «دست»، «دل»، «جان» و «کان»، نوعی تراکم احساسی و چرخش سریع کلمات ایجاد کرده است که پویایی صحنه را به اوج می‌رساند.

صنعت ردّالعجز الی‌الصدر و تصدیر (تقارن آغاز و انجام)

یکی از شگردهای سنتی اما هنرمندانه‌ی نظامی، آوردن واژه‌ی آغازین بیت یا مصراع در پایان آن است. این دایره‌وار کردن ساختار کلام، بازتابی از تفکر چرخش روزگار و بازگشت به اصل است:

«شیرین چو بدید روی شیرین / افتاد ز دست، صبرِ شیرین»

«مشک است سر زلف تو مشک است / در پای تو این ریخته مشک است»

تکرار کلمه‌ی «شیرین» در سه موضع بیت، علاوه بر ایجاد جناس تام میان شیرین (صفت به معنای گوارا یا دلنشین) و شیرین (اسم معشوق)، ذهن مخاطب را در حصاری از زیبایی معشوق محصور می‌سازد.

تکرار اشتقاقی و هم‌ریشگی واژگان (ایجاد شبکه‌های صوتی–معنایی)

نظامی استاد ساختن ترکیبات نو با استفاده از بن‌های فعلی و کلمات هم‌خانواده است. این کارکرد، غنای معنایی و پیوستگی بافت متن را مضاعف می‌کند:

«سوزنده‌تر از سوزشِ دلسوختگان / سازنده‌تر از سازشِ خودساختگان»

«روان‌بخش و روان‌سوز و روان‌دار / جهاندار و جهانسوز و جهان‌دار»

تکرار ریشه‌های «سوز/ساز» و «روان/جهان» در محور جانشینی و همنشینی، فضایی غنی از طنین‌های هارمونیک خلق می‌کند.

۵.۳. سطح نحوی و ساختاری (موازنه، ترصیع و قرینه‌سازی الگوها)

تکرار در سطح نحو، تبلور مهندسی زبان در شعر نظامی است. نظامی جملات را با تکرار دقیق الگوهای دستوری بر روی یکدیگر منطبق می‌سازد. این قرینه‌سازی، کلام را از فرم اتفاقی به یک سازه‌ی استوار معمارانه بدل می‌کند.

نمونه الگوی تقارن نحوی در شعر نظامی:

]مصراع ۱ : [نهاد +صفت +مفعول +فعل

| | | |

]مصراع ۲ : [نهاد +صفت +مفعول +فعل

الف) توازن نحوی کامل (موازنه و ترصیع):

نظامی بیت را به دو نیمه‌ی کاملاً متقارن تبدیل می‌کند؛ به‌گونه‌ای که هر واژه در مصراع اول با واژه‌ی همتای خود در مصراع دوم هم‌وزن، هم‌پایه و از نظر نقش دستوری یکسان است:

«عاشقِ رویت، منم و بس نیم / بنده‌ی کویت، منم و بس نیم»

«روز به شادی به سر آورده‌ای / شب به طرب در سحر آورده‌ای»

در بیت دوم:

«روز» (قید زمان) ↔ «شب» (قید زمان)

«به شادی» (متمم قیدی) ↔ «به طرب» (متمم قیدی)

«به سر آورده‌ای» (فعل مرکب) ↔ «در سحر آورده‌ای» (فعل مرکب)

این انطباقِ موبه‌مو، تکرار ساختار نحوی را به ابزاری برای القای تعادل روانی، نظم هندسی جهان روایی و لذت کشف تشابهات دستوری بدل می‌سازد.

ب) تکرار ساختارهای شرطی و پرسشی (استفهام انکاری):

در مناظره‌های مشهور خمسه (نظیر مناظره خسرو با فرهاد)، تکرار بی‌پایان الگوی «بگفتا... / بگفت...» ستون‌فقرات ریتم دراماتیک را شکل می‌دهد:

«بگفت آن‌جا به صنعت در چه کوشند؟ / بگفت آهن برند و سیم پوشند»

«بگفتا عشق شیرین بر تو چون است؟ / بگفت از جان شیرینم فزون است»

«بگفتا گر به سر یابیش خشنود؟ / بگفت از گردن این وام افکنم زود»

تکرار الگوی «بگفتا / بگفت» در ده‌ها بیت متوالی، نه تنها ملال ایجاد نمی‌کند، بلکه حس ضرب‌وشتم فکری، دیالوگ پینگ‌پنگی و هیجان نبرد کلامی میان پادشاه و سنگ‌تراش را به شفاف‌ترین شکل ممکن به خواننده منتقل می‌نماید.

۵.۴. سطح معنایی، بلاغی و روایی (اطناب هنری و روان‌شناسی کاراکترها)

تکرار در ساحت معنا و درام، ابزاری است که نظامی برای نفوذ به لایه‌های پنهان روان شخصیت‌ها و تعمیق درونمایه‌های فلسفی خود به کار می‌گیرد:

روان‌شناسی تکرار در لحظات شیدایی، جنون و سوگ

در بستر روان‌شناختی، انسان در شرایط بحران عاطفی، هیجان مفرط یا وسواس ذهنی، به تکرار کلمات و جملات روی می‌آورد. نظامی با استادی تمام از این واقعیت روان‌شناختی برای باورپذیر ساختن شخصیت‌هایش سود می‌جوید.

در منظومه‌ی *لیلی و مجنون*، قیس عامری هنگامی که از هوش و حواس رها شده و در وادی جنون سرگردان است، جز واژه‌ی «لیلی» چیزی بر زبان نمی‌آورد:

«برداشت به گریه بانگ لیلی / بنواخت به ناله چنگ لیلی»

«گر زنده شوم به نام لیلی / ور کشته شوم به کام لیلی»

«لیلی سر و پای من گرفته است / با من دل و جان به هم بربسته است»

در اینجا، تکرار مکرر نام «لیلی» دیگر یک آرایه‌ی ادبی نیست، بلکه پژواک «فقدان»، «عقده‌ی ذهنی» و بازنمایی ناب روان ازدست‌رفته‌ی مجنون است. مجنون با تکرار نام معشوق، خلأ وجودی جهان پیرامون خود را پر می‌کند.

تکرار موتیف‌های اندرز و ناپایداری دهر (تداعی معانی در مخزن‌الاسرار)

در *مخزن‌الاسرار* که منظومه‌ای زاهدانه و صوفیانه است، نظامی با تکرار موتیف‌هایی چون «خاک»، «گور»، «فنا»، «خواب غفلت» و «صبح بیداری»، ذهن خواننده را به گونه‌ای شرطی می‌کند که جهان مادی را بی‌ارزش بیابد:

«خاک شو و خاک‌نشین را نگر / خاک تو با خاکِ زمین درنگر»

«غافل منشین که غافلان را / بستند به بند، کاروان را»

تکرار در این بافتار، کارکرد هشدارباش و «انذار» دارد تا پیام اخلاقی در اعماق جان مخاطب رسوخ کند.

مقایسه‌ی کارکرد تکرار در پنج منظومه‌ی خمسه

اگرچه تکرار در کلیت خمسه جاری است، اما رویکرد نظامی به تکرار متناسب با «ژانر» و «لحن» هر منظومه دگرگون می‌شود. جدول زیر این تمایزات سبکی را نشان می‌دهد:

منظومه	وزن عروضی	فضای غالب	نوع و جهت‌گیری اصلی تکرار	کارکرد دراماتیک و زیباشناختی
مخزن‌الاسرار	بحر سریع	تعلیمی، زاهدانه، عرفانی	تکرار واژگانی مضامین مرگ، توبه و پند؛ تکرار ترکیبات دشوار	کوبندگی کلام، بیدارباش، تثبیت مفاهیم اخلاقی و عرفانی
خسرو و شیرین	بحر هزج مسدس	بزمی، عاشقانه، اشرافی	تکرار واژگان غنایی، ترصیع‌های درخشان، تکرار در گفتگوها	القای ظرافت‌های ناز و نیاز، غنای موسیقی بزم و جدال کلامی
لیلی و	بحر هزج مسدس	تراژیک، بدوی،	تکرار نام‌های خاص (لیلی)، تکریر اصوات	بازتاب شیدایی و آشفتگی روانی، فوران سوز دل و

مجنون	مقصور	سوزناک	محزون، ردّالصدر	جنون عشق
هفت‌پیکر	بحر خفیف	نمادین، سیاره‌ای، داستانی	قرینه‌سازی‌های ریاضی‌وار، تکرار رنگ‌ها و عناصر هفت‌گانه	انطباق هندسی داستان‌ها، فضاسازی جادویی و نجومی
اسکندرنامه	بحر متقارب	حماسی، تاریخی، فلسفی	تکرار واژگان رزمی، توازن نحوی جملات، تکرار صفات شاهی	ایجاد وقار، صلابت کلام و شکوهمندی حماسه‌ی فکری

تکرار؛ حشو مخل یا تشخص سبکی؟ (پاسخ به یک نقد سنتی)

برخی منتقدان دوره‌های متأخر که سبک‌شناسی را صرفاً با معیارهای ایجاز فشرده می‌سنجیدند، گاه نظامی را به درازگویی و تکرار واژگان متهم ساخته‌اند. اما پاسخ به این نقد از دیدگاه بوطیقای نو در چند نکته نهفته است:

ارگانیک بودن تکرار: تکرار در خمسه زایده‌ی تحمیل‌شده بر شعر نیست، بلکه مانند بافت ماهیچه‌ای در خدمت کل پیکره‌ی شعر عمل می‌کند. نظامی هرگز بیتی را بیهوده تکرار نمی‌کند، بلکه در هر دورِ تکرار، لایه‌ای تازه از تصویر یا معنا را بر لایه‌ی پیشین می‌افزاید.

پویایی در ریتم: تکرار واژه‌ها در شعر نظامی ریتم را کند نمی‌کند، بلکه به دلیل همراهی با صنایع جناس، اشتقاق و اوزان متحرک، بر سرعت انتقال حس و ضرباهنگ روایت می‌افزاید.

گسترش افق تخیل مخاطب: با تکرار یک واژه در معانی و بافت‌های مختلف، نظامی ظرفیت‌های چندمعنایی زبان فارسی را به نمایش می‌گذارد و مخاطب را به تأویل‌های مکرر فرامی‌خواند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در بررسی چندجانبه‌ی «کثرت تکرار در خمسه‌ی نظامی» به نتایج زیر دست یافت:

تکرار به مثابه‌ی زبان دوم شعر نظامی: تکرار در خمسه صرفاً یک تفنن بلاغی یا بازگشت صوری لفظ نیست، بلکه عنصری استراتژیک در فرآیند خلق شعر است. نظامی از تکرار به عنوان ابزاری برای تنظیم سرعت روایت، تغییر لحن، عمق‌بخشی به تصاویر و تبدیل کلام به نغمه‌های زنده سود می‌برد.

جامعیت لایه‌ای تکرار: تکرار در خمسه در چهار لایه‌ی درهم‌تنیده‌ی «آوایی» (موسیقی حروف و فضاسازی صحنه)، «واژگانی» (تصدیر، جناس، اشتقاق)، «نحوی» (توازن و قرینه‌سازی هندسی جملات) و «معنایی/روایی» (تداعی معانی و روان‌شناسی شخصیت‌ها) ساختاربندی شده است.

تطابق فرم و محتوا: نظامی در هر یک از منظومه‌های پنج‌گانه، کارکرد تکرار را متناسب با جهان‌بینی و درونمایه‌ی آن اثر دگرگون می‌سازد؛ از تکرار تراژیک و روان‌شناسانه در *لیلی و مجنون* گرفته تا قرینه‌سازی‌های شکوهمند و هندسی در *خسرو و شیرین* و *هفت‌پیکر*.

تشخص سبکی: کثرت تکرار در شعر نظامی نمایانگر غنای ذهنی و احاطه‌ی شگرف او بر واژگان و ساختارهای نحوی زبان فارسی است. از این رو، تکرار در پنج گنج نه نشانه‌ی ضعف یا حشو، بلکه یکی از ستون‌های استوار سبک شخصی و رمز جاودانگی موسیقی کلام حکیم گنجه است.

پیشنهادهای کاربردی و افق‌های پژوهش آینده

پژوهش‌های سبک‌سنجی رایانشی: استفاده از نرم‌افزارهای پردازش زبان طبیعی (NLP) برای استخراج ماتریس‌های بسامدی دقیق کلمات مکرر در هر پنج گنج و مقایسه‌ی آن با بسامد تکرار در *شاهنامه* فردوسی و *حدیقه* سنایی.

مطالعات شناختی: واکاوی تأثیر تکرارهای نحوی و واژگانی خمسه در فعال‌سازی «طرح‌واره‌های تصویری» و حافظه‌ی کاری مخاطب از منظر عصب‌شناسی زبان.

بررسی تطبیقی خمسه با مقلدان: سنجش چگونگی کاربرد تکرار در آثار پیروان نظامی (نظیر امیرخسرو دهلوی در *مطلع‌الانوار*، خواجوی کرمانی در *همای و همایون* و جامی در *هفت اورنگ*) برای تفکیک تکرار خلاقانه از تکرار مکانیکی و مقلدانه.

کاربرد در کتاب‌های درسی و کارگاه‌های بلاغت: بازطراحی مبحث اطناب و تکرار در دروس بلاغت دانشگاهی با تکیه بر شواهد خمسه به عنوان الگوی عینی برجسته‌سازی زبانی.

منابع

آراسته، عقیله؛ گلی، احمد؛ و علیزاده، ناصر. (۱۴۰۳). بررسی توازن نحوی در شعر نظامی بر مبنای قرینه‌سازی. *پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت*، دوره ۱۲، شماره ۱، صص ۴۵–۶۸.

تمیم‌داری، احمد؛ و پولادی، حمید. (۱۳۹۰). اطناب، شاخصه سبکی نظامی در مخزن‌الاسرار. *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*، سال چهارم، شماره ۲، صص ۸۹–۱۱۰.

درگاهی پیرالوان، اصغر. (۱۴۰۳). بررسی تأثیر زبان و فرهنگ آذربایجان در سبک‌شناسی نظامی گنجوی. *پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)*، گزارش پژوهشی.

دهمرده، حیدرعلی. (۱۳۹۲). زبانه‌ای از زبان نظامی. *مجله فنون ادبی (دانشگاه اصفهان)*، سال پنجم، شماره ۲ (پیاپی ۹)، صص ۱۱۵–۱۲۸.

سرداغی، محمدحسین؛ و نصرآزادانی، ناهید. (۱۳۹۵). غنای قافیه در خسرو و شیرین نظامی. *فنون ادبی*، سال هشتم، شماره ۴ (پیاپی ۱۷)، صص ۷۱–۸۶.

صفا، پروانه. (۱۴۰۱). بررسی و تحلیل انواع ادبی در اشعار نظامی گنجوی. *پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)*، صص ۱–۱۹.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۱). *موسیقی شعر*. چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات آگاه.

شمیسا، سیروس. (۱۳۹۳). *سبک‌شناسی شعر*. چاپ بیست و سوم، تهران: نشر میترا.

کریمی، محمد؛ و الهامی، شراره. (۱۴۰۰). بررسی رویکردهای سنتی سبک‌شناسی در خمسه نظامی. *مطالعات ادبیات تعلیمی*، دوره ۱۳، شماره ۵۰، صص ۱۲۱–۱۴۴.

مشهدی، محمدامیر؛ و طاهری، زهرا. (۱۳۹۲). تکرار و تداعی، ویژگی سبکی نظامی در منظومه خسرو و شیرین. *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*، سال ششم، شماره ۱ (پیاپی ۱۹)، صص ۳۲۱–۳۳۸.

نبیلو لهرقانی، علیرضا. (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی و تحلیلی تشبیهات نظامی و جامی در مخزن‌الاسرار و تحفه‌الاحرار. *بوستان ادب (دانشگاه شیراز)*، سال دوم، شماره ۳، صص ۱۵۳–۱۷۸.

نصیری جامی، حسن. (۱۳۸۸). بسم‌الله الرحمن الرحیم و تأثیر اسلوب بیت آغازین مخزن‌الاسرار بر مقلدان. *ادبیات فارسی (دانشگاه الزهرا)*، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۳۳–۱۵۰.

نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف. (۱۳۸۶). *کلیات خمسه نظامی گنجوی*. به تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: نشر قطره.

نوروزی، یعقوب. (۱۳۹۶). بحثی انتقادی در حماسه‌پردازی نظامی گنجوی. *پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گوهر)*، سال یازدهم، شماره ۲، صص ۵۷–۷۸.

نوروزی، زینب. (۱۳۸۴). بررسی شخصیت زن در شعر نظامی. *پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)*، صص ۱۰–۳۱.

نیک‌خواه، مظاهر. (۱۳۸۹). تناسب تصاویر طلوع و غروب با موضوع حکایت در آثار نظامی. *نشریه زبان و ادبیات فارسی (دانشگاه خوارزمی)*، شماره ۶۷، صص ۱۸۳–۲۰۴.

Halliday, M. A. K & ,.Hasan, R .(۱۹۷۶) .*Cohesion in English* .London: Longman.

Leech, G. N .(۱۹۶۹) .*A Linguistic Guide to English Poetry* .London: Longman.